

## بررسی نقش زرتشتیان در ارتقا و

## تعالی فرهنگ ایرانی

(صفحات ۶۵ تا ۸۷)

شباهنگ مهاجرانی<sup>۱</sup> \* علی اکبر امینی<sup>۲</sup> \* سیدعلی مرتضویان<sup>۳</sup>

پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۹

دریافت: ۹۷/۰۴/۰۴

### چکیده

سرزمین کهن ایران، از گذشته دور تاکنون دارای تنوع گسترده‌ای از اقوام و اقلیت‌ها است و از همین رو می‌توان شواهد متعددی را در راستای تاثیرپذیری فرهنگ ایرانی از تنوع خرده‌فرهنگ‌ها برشمرد. بدین منظور، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش زرتشتیان در ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی است. فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که فعالیت‌ها و اقدامات زرتشتیان در سال‌های پس از ورود اسلام به ایران تا دوران معاصر، متاثر از فرهنگ و نظام اعتقادی این دین بوده و در ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی نقش داشته‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته‌ایم. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تطابق عملکرد زرتشتیان با مبانی فرهنگی و اخلاقی دینشان، تلاش برای حفظ و حراست از پایه‌های هویتی سرزمین، و نیز کوشش برای رشد و بالندگی جامعه، از یک چارچوب اعتقادی ناشی می‌شود که چه از وجه جهان‌بینی و نگرش و چه از وجه عملی، رو به سوی ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی داشته است. در نهایت اینکه، اثرگذاری فرهنگ بر عملکرد فردی و اجتماعی یک ملت، امری اجتناب‌ناپذیر است و مطالعه‌ی رویه‌ی تاریخی و عمل اجتماعی ملت‌ها، موید این نکته است.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، زرتشتیان، تعالی فرهنگی، آموزه‌های اخلاقی، فرهنگ ایرانی.

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ shabahang\_mohajerani@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ (نویسنده مسئول) aliakbaramini@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ a\_mortazav@yahoo.com

## مقدمه

فرهنگ در معنای گسترده‌ی خود، سرچشمه اعمال، رفتار و اندیشه‌های اعضای آن جامعه می‌باشد، و بویژه در کشورهایی که دارای تنوع فرهنگی هستند، خط مشی فرهنگی از اهمیت بیشتری برخوردار است. ایران به عنوان کشوری که دارای پیشینه‌ی غنی فرهنگی است، در طول تاریخ محل زیست اقوام و اقلیت‌های گوناگون بوده که هر یک از این گروه‌ها و اقوام، به سهم خود در تعالی و رشد فرهنگی جامعه تاثیرگذار بوده‌اند. زرتشتیان از جمله قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین ساکنان این سرزمین هستند که از جایگاه ویژه و احترام‌آمیزی نزد هم‌میهنان مسلمان برخوردار می‌باشند. انگیزه‌ی این جایگاه، تعامل اجتماعی مبنی بر رعایت اخلاق و مدارا و روحیه‌ی فداکاری و میهن‌دوستی زرتشتیان است و اعتقاد نگارنده بر این است که این رواداری اخلاقی، از مبانی فرهنگی و آموزه‌های دین زرتشت نشأت می‌گیرد که به تناسب، می‌توان بازتاب آن را در نوع نگرش و عملکرد زرتشتیان از گذشته تا امروز مشاهده کرد.

در یک بررسی همه‌جانبه از مفاهیم و آموزه‌های دین زرتشت، این نتیجه حاصل می‌شود که اصول این دین، معرف یک نظام اعتقادی اخلاقی و توحیدی است که براساس آن، انسان به خیر و نیکی تشویق می‌شود و از شر و بدی برحذر داشته می‌شود و از آنجا که اراده‌ی انسان، ارجمند و محل احترام است، انسان مختار است تا روش و منش زندگی خود را برگزیند؛ هرچند که گام برداشتن در مسیری که خشنودی قادر متعال را در پی داشته و سفارش موکد اشوزرتشت نیز می‌باشد، سعادت دنیوی و اخروی انسان را به دنبال دارد.

در این میان، ایرانیان زرتشتی از زمان ورود اسلام به ایران، با تنگناها و محدودیت‌های ساختاری گوناگونی برای حفظ کیش و مذهب خود مواجه بودند و حتی در مقاطعی از تاریخ، شدت سختگیری‌ها به آنان در حدی بود که ناچار به ترک میهن شده و برای حفظ جان خود و پایندی به دینشان، به سرزمین هندوستان پناه بردند، اما این وضعیت با گذر تاریخ و پس از عصر صفویه و ورود به عصر قاجار، علی‌الخصوص پس از ایام مشروطیت، دگرگون شد و بنا بر پاره‌ای وقایع تاریخی، زرتشتیان موفق شدند بتدریج، جایگاه تاریخی و فرهنگی خود را بازیابی نموده و علیرغم قلت جمعیت، در حد

بضاعت خود موثر باشند و در سیر ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی، کارآمد و اثرگذار باشند. نقش آفرینی فرهنگی و اجتماعی زرتشتیان، با پایان یافتن دوره قاجار و ورود به عصر پهلوی، سیر صعودی خود را طی نمود و مروری بر کارنامه‌ی زرتشتیان در طول این دوران، موید این نکته است.

بررسی اقدامات و فعالیت‌های زرتشتیان، ما را به این دریافت رهنمون می‌سازد که انگیزه‌ی زرتشتیان از گام نهادن در این مسیر پر فراز و نشیب تاریخی، تطابق عملکردشان با چارچوب فرهنگی و اخلاقی دین زرتشت، تلاش در جهت حفظ و نگهداشت پایه‌های هویتی سرزمین و نیز کوشش برای تعالی و رشد جامعه و هم‌میهنان، علیرغم محدودیت‌ها و تنگناهایی که با آن مواجه بودند، به سرچشمه‌ی اعتقادی آنها بازمی‌گردد. فرهنگ زرتشتیان، چه از جنبه جهان‌بینی و نگرش، و چه به لحاظ عملکرد اجتماعی، رو به سوی رشد و بالندگی کشور داشته و تلاش آنها در ادوار گوناگون تاریخی، چه آن زمان که سکوت و سازش را برگزیدند، چه آن ایام که از ایران کوچ کردند و چه دورانی که موقعیت را برای ایفای نقش اجتماعی و فرهنگی مناسب یافتند، با هدف و انگیزه‌ی ترقی و ارتقاء فرهنگ ایرانی انجام گرفته است.

در این پژوهش، بنا داریم این مفروض را با نگاهی به آموزه‌های دینی زرتشتیان و نیز بررسی سیر تطور وقایع تاریخی و نقش زرتشتیان در تحولات تاریخی کشور، مورد کند و کاو قرار دهیم.

### ۱. ادبیات پژوهش

#### ۱.۱. ادبیات تجربی

در زمینه موضوعات مرتبط با فرهنگ و چگونگی تثبیت و تقویت وضعیت فرهنگی، همچنین نقش و جایگاه زرتشتیان در تطورات فرهنگی کشور، منابع گوناگونی وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران و محققان حوزه فرهنگی قرار گیرد. از میان این منابع، مواردی که در پژوهش فوق مورد بهره‌برداری بیشتر قرار گرفته و در بسط این موضوع مناسب دارند، به شرح ذیل می‌باشد:

«تاریخ روابط پارسیان هند و زرتشتیان ایران» به قلم فرهاد صبوری (۱۳۹۵)، در زمینه‌ی مرور تاریخ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زرتشتیان از ورود اسلام به ایران تا پایان

دوره‌ی پهلوی نگارش شده است. تعاملات میان زرتشتیان و مسلمانان، تعاملات میان زرتشتیان در ایران با پارسیان هند، نتایج و پیامدهای ارتباط میان دو جامعه و چگونگی یاری رساندن پارسیان به زرتشتیان و به طور کلی اوضاع اجتماعی زرتشتیان در ایران در طول تاریخ، از محورهای اصلی مطالعاتی در این اثر است.

«چکیده‌ی تاریخ کیش زرتشت» (۱۳۷۷) یکی از آثار پروفیسور مری بویس در زمینه‌ی شناخت زرتشتیان است. وی در این کتاب به بیان مفصلی از تاریخ زرتشت، متون مقدس بویژه اوستا، تاریخ دیانت زرتشتی، پیشینه‌ی ایران و ایرانیان، تبلیغات زرتشت و گسترش و رسمیت یافتن دین او پرداخته است. در بخش‌هایی از این اثر شرح داده می‌شود که در اواخر قرن ۷ میلادی گروهی از زرتشتیان برای دستیابی به آزادی دینی به سمت شرق سفر کردند و سرانجام در گجرات اقامت گزیدند و هسته‌ی مرکزی پارسیان هندوستان را تشکیل دادند. آنان از قرن ۱۹ به سرعت پیشرفت کرده و مالک ثروت عظیمی گشتند و به یاری و کمک به جمعیت زرتشتی ایران که در اطراف شهرهای کویری یزد و کرمان بوده و پیوسته متحمل فقر و مشقت بودند شتافتند و از اضمحلال کامل آنان جلوگیری کردند. همچنین تعالیم اصلی زرتشتی نیز در آثار او به خوبی بیان شده است.

«زرتشتیان» (۱۳۸۲) به قلم کتابیون مزداپور از جمله آثار این نویسنده است که در آن به مرور کلیات زندگی زرتشتیان پرداخته شده است. وی آثار دیگری چون زرتشتیان، واژه‌نامه‌ی گویش بهدینان شهر یزد و اندرزنامه‌های ایرانی را تالیف نموده است. در این میان، این کتاب که به سفارش دفتر پژوهش‌های فرهنگی نگارش شده، به گونه‌ای مفید و موجز به خاستگاه دین زرتشتی، تحولات این کیش تا اسلام و سپس از آغاز دوران اسلامی تا دوره‌ی معاصر و همچنین در دوران معاصر پرداخته و در انتها، آداب و باورهای کهن زرتشتی و تحولات آن را بررسی نموده است.

«زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز» (۱۳۸۶) یکی دیگر از آثار در زمینه مطالعه‌ی سیر حوادث و سرگذشت احوال زرتشتیان، به قلم کتابیون نمیرانیان است. این کتاب تلاش دارد تا به گونه‌ای کامل و عاری از نقص، سیر احوالات و تاریخ زندگانی زرتشتیان از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران را روایت نماید. این اثر جهت شناخت بیشتر ویژگی‌های زیستی، فردی و اجتماعی زرتشتیان، نیز وقایع تاریخ اجتماعی ایران و اثرات

آن بر زندگی این اقلیت، اقدامات آنان و همچنین معرفی انجمن‌ها و موسسات و مدارس زرتشتی در ایران، منبعی مفید می‌باشد.

«درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر» (۲۰۰۲) نوشته‌ی آندرو میلنر و جف براویت، ترجمه جمال محمدی، شرحی است درباره زمینه‌های تاریخی و رویه‌های نظری مطالعات فرهنگی. نویسندگان این کتاب پارادایم‌های اصلی نظریه فرهنگی را ذیل شش عنوان نقد و بررسی کرده‌اند: فایده‌گرایی، فرهنگ‌گرایی و ماتریالیسم فرهنگی، نظریه انتقادی و جامعه‌شناسی فرهنگ به نشانه‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرا و پسامدرنیسم. این کتاب تاکنون ۶ بار تجدید چاپ شده است که آخرین چاپ ترجمه شده‌ی آن مربوط به سال ۱۳۹۷ می‌باشد.

لازم به ذکر است که با وجود غنای منابع نامبرده شده، این پژوهش نگرشی نوین به تاریخ تحولات زندگی زرتشتیان و نیز برداشتی نوآورانه از تعالی فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود؛ چرا که کوشیده است تا پس از بررسی نظام فرهنگی و اعتقادی دین زرتشت که مبنای عمل زرتشتیان در طول تاریخ قلمداد می‌شود، به انطباق آن با اقدامات فرهنگی و اجتماعی آنان پرداخته، و سپس به بررسی کارکرد زرتشتیان در ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی بپردازد.

### ۲.۱. ادبیات نظری

از دیدگاه فرهنگ‌شناسی، فرهنگ نظامی حاوی طرح‌ها، عقاید، اندیشه‌ها و ارزش‌ها دانسته می‌شود که تمامی آثار و ویژگی‌های آن در اعمال و رفتار اعضای جامعه کاملاً مشهود است. به عبارت ساده‌تر، فرهنگ هر جامعه نشان‌گر خط مشی‌ای است که سرچشمه اعمال، رفتار و اندیشه‌های اعضای آن جامعه می‌باشد.

بر مبنای برخی از تعاریف، فرهنگ «قلمرو کلی نهادها، ساخته‌ها و اعمالی است که دنیای نمادین ما را شکل می‌دهند. براین اساس فرهنگ شامل هنر و دین، علم و ورزش، آموزش و فراغت می‌شود» (میلنر و براویت، ۲۰۰۲).

گودیکانست فرهنگ را قابلیت‌هایی می‌داند که از نظر طرح کلی و اصول اساسی تر در بین همگان مشترک است و در ویژگی‌های خاصش بین افراد فرق دارد. «فرهنگ نظر افراد در خصوص دانسته‌ها، باورها و معانی، نظر او درباره قوانین و فعالیت‌های

دیگران، در جامعه‌ای که او در آن متولد شده است، می‌باشد» (گودیکانست، ۱۹۹۱).  
به باور بیخو پارخ، «فرهنگ نظامی از معانی، باورها و فعالیت‌هایی است که گروهی از انسان‌ها، زندگی فردی و اجتماعی خود را با آن فهم، تنظیم و ساخت‌بندی می‌نمایند. به عبارتی دیگر فرهنگ روش درک و سازماندهی زندگی انسانی است» Parekh, (2005:13).

«فرهنگ در سطوح گوناگون مفصل‌بندی و در اشکال مختلف زبان، اسطوره، آداب و رسوم، آیین‌ها، نمادها، خاطرات جمعی، لطیفه‌ها، شیوه‌های غیرزبانی ارتباطات، سنت‌ها، نهادها، هنر، موسیقی، ادبیات مکتوب، زندگی اخلاقی، بینش افراد نسبت به زندگی خوب و مطلوب، و در هنجارهایی که روابط افراد و گروه‌ها را هدایت می‌کند، متجلی می‌شود» (همان: ۱۴۳).

برخی محققان و فرهنگ‌پژوهان، فرهنگ و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن را به کوه یخ تشبیه کرده‌اند که دارای بخش فوقانی و تحتانی است. بنا بر این تشبیه، آن دسته از مضامین و نمودهای فرهنگی، همچون جشن، سنت، اخلاق و آداب و خلیات و رسوم و عملکرد و اقدام و هر آنچه که انسان به عنوان عضوی از یک جامعه از خود بروز می‌دهد و برای سایر افراد و دیگر جوامع بشری قابل دیدن و نیز ارزش‌گذاری باشد، حکم بخش فوقانی این کوه را دارد و هر آنچه به عنوان ارزش و معیار، که نشان‌دهنده‌ی جهان‌بینی و نگرش انسان به زندگی و جهان اطرافش است، در قسمت تحتانی این کوه قرار دارد. «درونی‌ترین لایه فرهنگ که از محتوایی فلسفی برخوردار است، حقیقتی غیربشری است و از سوی دیگر، وجوه رفتاری و بیرونی آداب و رسوم فرهنگی، پیوندی وثیق با درونی‌ترین لایه فرهنگ و به عبارت دیگر، با مفهوم فلسفی فرهنگ دارد؛ به این معنا که بر مبنای اصول و ارزش‌های تعریف شده در مفهوم فلسفی فرهنگ، آداب و رسوم و قوانین، ناظر به رفتارهای فردی و اجتماعی افراد وضع گردیده است» (ماحوزی، ۱۳۹۰: ۱۶).

امروزه می‌توان به صراحت نظر داد که علل بروز مشکلات فرهنگی در جوامع و در مقابل آن، زمینه‌های بالندگی و رشد و ارتقا و تعالی بشری را، باید در بخش تحتانی این کوه جستجو کرد.

پژوهش حاضر نیز بر اساس چنین دیدگاهی شکل گرفته است و معتقد است که آموزه‌های دین زرتشت، در صورت پرداخت صحیح و بهره‌برداری اخلاقی، فرهنگی و

تربیتی منطقی و معقول از آن، زمینه‌ساز مناسبی برای ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی است. فرضیه ما چنین است که فعالیت‌ها و اقدامات زرتشتیان در ادوار گوناگون تاریخ، متأثر از نظام اعتقادی دین زرتشت بوده و آنان برگرفته از فرهنگ و اعتقادات خود، در ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی نقش آفرین بوده‌اند. شاهد نظری این فرض، جهان‌بینی توحیدی دین زرتشت و شاهد عملی آن، عملکرد زرتشتیان در طول تاریخ (به فراخور بازه زمانی این مقاله، از ورود اسلام به ایران تا دوران معاصر)، علیرغم محدودیت‌هایی است که از سوی ساختار حکومت‌ها بر آنها اعمال شده است.

مفاهیم و آموزه‌های دین زرتشت که عموماً بازتاب آن را می‌توان در نوع نگرش و عملکرد زرتشتیان مشاهده نمود، برگرفته از یک نظام فرهنگی و اخلاقی است که براساس آن، انسان به خیر و نیکی تشویق می‌شود و از شر و بدی برحذر داشته می‌شود و در نهایت، سعادت‌مند آن کسی است که به پیروی از قانون کیهانی «اشه» که نظم هستی بر مبنای آن قرار دارد، خویشکاری خود را در گزینش بهترین راستی در زندگی فردی، و اعمال مفید و مثبت در جامعه بداند.

### ۲. روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و ابزار و روش گردآوری داده‌ها، براساس روش کتابخانه‌ای است. در روش کتابخانه‌ای به بررسی اسناد و مدارک و کتب داخلی و خارجی مرتبط با موضوع، همچنین مقالات و پژوهش‌های معتبر پرداخته ایم و پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات و توصیف یافته‌ها، تجزیه و تحلیل مبتنی بر تفکر، منطق و استدلال انجام پذیرفته است.

«استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی در یک بررسی و تحقیق تاریخی، دارای مزایای خاصی است. فاصله‌ی زمانی محقق با واقعه‌ی تاریخی سبب می‌شود که وی بتواند کل واقعه را در رابطه با وقایع مشابه در جهان آن روز ببیند و تحلیل کند. همچنین محقق در درون دوره‌ی تاریخی پدیده نمی‌توانست دیدی جامع و فراگیر در مورد پدیده داشته باشد. فاصله‌ی زمانی که از زمان وقوع حادثه‌ی تاریخی تا زمان پژوهش اسنادی پدید می‌آید، به محقق کمک می‌کند تا عوامل اصیل رویکرد تاریخی را با دقت بیشتری بشناسد و از تکرار اجتناب ورزد و به نتایج نوینی دست یابد» (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶).

### ۳. یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در چارچوب نظری تشریح شد، چنانچه فرهنگ را سرچشمه اصلی تحولات یک جامعه و نیز توسعه‌ی جوامع در نظر آوریم، این فرض تقویت می‌گردد که در فرآیند انطباق یک جامعه و اعمال و اقدامات اعضای آن جامعه با باورها و محتویات فکری و فرهنگی‌شان، تحولات اجتماعی به وقوع می‌پیوندد و اگر رویه‌ی این محتویات فکری و فرهنگی، تشویق به اخلاق‌مداری و خردورزی باشد، تحولات ناشی از آن، مثبت و بر مدار ترقی و پیشرفت خواهد بود.

هرچند که «جلوه‌های متفاوتی از عقلانی بودن در تمام فرهنگ‌ها وجود دارد» (وبر، ۱۹۰۵)، لکن شالوده‌ی اساسی آموزه‌های برخی از نظام‌های فکری و فرهنگی، یکسره بر خردگرایی و اخلاق محوری قرار گرفته است. باورهای مبتنی بر خردگرایی بر نوعی از واقع‌گرایی، نظم، سازماندهی، نوآوری و تداوم در حفظ آنها دلالت می‌نمایند.

نظام فرهنگی مورد نظر ما در این پژوهش، بر مبنای آموزه‌های دین زرتشت قرار گرفته است. بدین جهت، شواهد منطقی نیاز است تا گواه عملکرد پیروانش در طول تاریخ باشد. ما داده‌هایی تاریخی از عملکرد و رویه‌ی رفتاری زرتشتیان از ورود اسلام به ایران، تا دوران معاصر را برگزیده‌ایم که در ادامه، به شرح این یافته‌ها می‌پردازیم:

#### ۳.۱. جهان‌بینی و نظام فرهنگی و اعتقادی دین زرتشت

اعتقاد راسخ به یکتاپرستی و تمرکز قدرت در جهان: خداشناسی زرتشتی بر مبنای اعتقاد به یگانگی و یکتاپرستی اهورامزدا، پرستش و نیایش و رواج نام خدای یگانه شکل گرفته است. از آن زمان که زرتشت از اهورامزدا به عنوان یگانه خالق هستی نام برد، خدایان ودایی طرد شده و در زمره دیوان قرار گرفتند. این مهم، اصلی‌ترین اقدام اصلاحی زرتشت بود که سبب‌ساز ارتقاء الهیات ایرانی گشت. «.. آنچه تازگی داشت، بدعتی بود که زرتشت در بنیاد عقاید پیشین گذاشت و اهورامزدا را به مرتبه‌ی خدایی غیرمخلوق و موجودی ازلی و ابدی و خالق خیر مطلق ارتقا داد» (بویس، ۱۳۸۴: ۴۴).

تقابل خیر و شر: برای پی بردن به جهان‌بینی زرتشتی باید دانست که اهورامزدا، با سپینته‌مینو که اش را برمی‌گزیند و هواخواه راستی و بهترین منش است، تفاوت دارد. این انگره‌مینو است که در برابر سپینته‌مینو قرار می‌گیرد و هواخواه دروغ و بدی و بدترین



زندگی است و بر لشگر شر فرمانروایی می‌کند. پس اهورامزدا یگانه، خالق سپنته‌مینو است که ماموریتش، انتخاب عمل انسانی و اخلاقی در نهاد بشر است و خوشبختی بشر و عمل انسانی او، برانگیزاننده‌ی دشمنی و نفرتی است که بوجود آورنده‌ی انگره‌مینو و روان شر است و در این میان، «این انسان است که مسئول و عامل بدبختی‌ها و خوشبختی خود است. این دو مساله در کنار یکدیگر، نظام فکری الهیاتی آموزه‌های زرتشت را نمایندگی می‌کنند» (محمودی زاده دهبازی، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

همچنین «گروهی از موجودات الهی که بنا بر سنت، امشاسپندان<sup>۱</sup> یا جاودانان سودبخش خوانده می‌شوند او را احاطه کرده‌اند؛ این ذوات در واقع تجلیات گوناگون خدایند و او را در امر آفرینش و اداره امور کیهان و هستی یاری می‌کنند» (مولایی، ۱۳۹۳: ۳۷۳).

نظم کیهانی اشه (اشا): یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم اندیشه مزدایی، مفهوم اشه (اشا) است و علیرغم آنکه معنایی بسیار وسیع دارد، اما به اختصار سخن از وجود یک نظم کیهانی در کل هستی می‌راند. «مطابق این قانون، هستی از سامان پیش تعیین شده‌ای برخوردار است که همه اجزای عالم را در بر می‌گیرد و خروج هر یک از عوامل هستی از مسیر آن، نشان نابسامانی و بی‌نظمی است» (کوه‌کن، ۱۳۹۶: ۷۷). اعتقاد به اشه، بیش از هر چیز باور است به وجود نظم و سامانی ازلی در هستی و کیهان، که باید سرلوحه زندگی بشری قرار گیرد. «ریشه‌ی اشه به خداوند برمی‌گردد، چون اوست که ازلی و ابدی است و آفریننده‌ی همه چیز از جمله اشه نیز هست و بدین جهت از اهورامزدا به عنوان پدر و پدیدآورنده‌ی اشه یاد شده است که فرمانروایی او بر کل هستی نیز با این قانون تحقق می‌پذیرد» (گیگر، ۱۳۸۲: ۲۳۲). اشه ابعاد فردی و اجتماعی گسترده‌ای دارد که عمل بدان، گویی چکیده‌ای از کل دین زرتشتی به شمار می‌رود.

اختیار، اراده و خرد انسان: بحث اختیار یکی از اصول اساسی تعالیم زرتشت است. تفاوت اساسی میان دو مینوی نیک و بد، از همین اختیار در انتخاب منشا می‌گیرد. «در یسن ۳۰ بند ۵ آمده است که از دو مینوی نیک و بد، آن که نیک است، راستی را برگزید

۱. سپنته‌مینو یا روح آفرینندگی اهورامزدا و هومنه «اندیشه نیک»: Vohu-manah اشه «راستی / حقیقت، نظم و ناموس هستی»؛ Aša خشنوره «شهریاری / قدرت؛ شاید در گاهان مراد از آن صرفاً قدرت سیاسی نبوده و مفهوم گسترده‌ای را در بر داشته است...»؛ Xšaera آرمنیتی «اخلاص / انصاف»؛ Aramaiti هئوروات «تندرستی»؛ Haurvatāt امرتات «نامیرایی و جاودانگی»؛ Aməretāt

و آن که پیرو دروغ است، بدی را. این گزینش در واقع پیش نمونه و الگوی انتخابی است که مردمان در زندگی خود با آن رویاروی هستند و مختارند میان پیروی از راه اشا و دروغ یکی را برگزینند» (Gershevitch, 1964: 13). براساس انسان‌شناسی گاهان، آفرینش انسان براساس خرد خداوند بوده است و اهورامزدا از نیروهای مادی و معنوی خود به انسان بخشش می‌کند تا او بتواند بر مبنای خرد، در آزادی و اراده، طریق خیر یا شر را برگزیند. «انسان آفریده‌ی اهورامزدا، انسانی در چنبره تقدیر نیست. او دارای دو قوه‌ی انتخاب و اختیار، و خرد است و می‌تواند با قوه خرد، خودمختارانه و آزادانه دست به انتخاب بزند و از بین دو راه، هر کدام را که خواست انتخاب کند» (محمودی زاده دهبارزی، ۱۳۹۶: ۱۶۹).

اشوزرتشت در گاهان بر این اصل تاکید دارد که انسان‌ها نه فقط در برابر خود، بلکه در مقابل دیگر انسان‌ها و حتی در مقابل سایر موجودات و عناصر طبیعت هم مسئول هستند. انسان معیار است. «آن هنگام که انسان آفریده شد، دو نیرو در اندیشه او شکل گرفت، یکی نیک در اندیشه و گفتار و کردار (سپنته‌من) و دیگری بد در اندیشه و گفتار و کردار (انگره‌من)، دانا نیک را برمی‌گزیند و نادان بد را. بنابراین وقتی انسان نباشد، نیک و بد معنا و مفهومی ندارد و هرچه را خداوند آفریده است، لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند» (خورشیدیان، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

### ۲.۳. اقدامات تاریخی زرتشتیان براساس آموزه‌های اعتقادی و فرهنگی

زرتشتیان پس از ورود اسلام به ایران: با ورود اعراب مسلمان به ایران، زرتشتیان در موقعیت سختی قرار گرفتند. آیین زرتشتی که از هنگام ظهور اشوزرتشت، بتدریج در ایران پا گرفت و رسمیت یافت، اینک در خطر اضمحلال قرار داشت..

زمانی که سران دولت ساسانی و دستگاه روحانی زرتشتی از قدرت فروافتادند و نیز شکست‌های پیاپی ایرانیان، باعث شد تا گروه‌هایی از مردم به این نتیجه برسند که امکان زندگی کردنشان تنها در سایه‌ی همکاری با اعراب فاتح و سازش و سکوت در برابر آنها میسر است و باید به سرنوشت تن دردهند. «در ارتباط با سیستان [ظاهراً موافقت شده بود که ایرانیان در دین خود آزاد باشند و آتشکده‌های آنان تحت محافظت قرار گیرد و هر سال دو بار خراج عمده‌ی سالیانه به خلیفه پردازند. از اینگونه قراردادهای صلح که

تنها در جزئیات با یکدیگر تفاوت داشتند، فراوان بسته شد. اما تردید نباید داشت که در دوره‌ی حکومت خلفای بنی‌امیه (۶۶۱-۷۵۰) بسیاری از آتشیهای مقدس خاموش شدند.» (بویس، ۱۳۷۷: ۲۳۷). به احتمال فراوان هدف بنی‌امیه از تحت فشار قرار دادن زرتشتیان و ویرانی آتشکده‌ها کسب درآمد بوده است؛ چون بنا بر روایات تاریخی آتشکده‌هایی که توانستند پول کافی جمع کرده و به حکام باج دهند، موقتا از ویرانی در امان ماندند. اما این پرداخت باج هم بقای آتشکده‌ها را ضمانت نکرد و یکی بعد از دیگری خاموش شدند.

با روی کار آمدن عباسیان، این فرصت طلایی برای ایرانیان فراهم شد تا با مدد گرفتن از فرهنگ و آموزه‌هایشان، در دستگاه حکومت نقش‌های مهمی را برعهده گیرند و دبیری ایرانیان که از درک و دانش بالایی در امور اداری جامعه برخوردار بودند، منجر به اقتدار و قدرت فراوان خلافت شد: «عباسیان گرچه همه‌ی مشکلات موجود در سرزمین اسلام را حل نکردند، اما در روزگار ایشان فرهنگ اسلامی آماده دگرگونی شد و به صورتی درآمد که دیگر تنها وابسته به ایمان اسلامی و راه زندگی مسلمانان نبود. هنگامی که اسلام یک آیین و فرهنگ «بین‌المللی» می‌شد، ایرانیان زبان خویش را رونق بخشیدند و شگفت آنکه در بین‌المللی ساختن زبان عربی و نیز زنده ساختن زبان فارسی هر دو کوشیدند» (نمیرانیان، ۱۳۸۶: ۶۵).

ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی، دبیران برجسته و صاحب‌نامی بودند که یکی از کلیدی‌ترین اقدامات آنها، زنده نگه داشتن زبان فارسی بود.

مهاجرت زرتشتیان به هندوستان: در تاریخ، مهاجرت زرتشتیان به هندوستان دارای شهرت است و تنها رساله‌ی مختصری به نظم فارسی نسبتاً قدیمی که به نام «قصه‌ی سنجان» شهرت دارد، داستان این مهاجرت را به تفصیل بیان کرده است. «در مدت بیشتر از صدسال در ایران زمین آتش جنگ زبانه می‌کشید، گروهی که نه تاب ستیزه‌ی خونین و نه یارای پرداختن جزیه‌ی سنگین را داشت، برای نگهداری آیین کهن، سر به کوه و بیابان نهاد... در سال‌های دراز کوه‌های خراسان پناهگاه آوارگان بود تا آنکه آن سامان نیز به چنگال دشمن دشمن درآمد. به ناچار فرار نموده، چندی در جزیره‌ی هرمز در خلیج فارس به سر بردند، چون در آنجا هم دشمن امان نداد، ایران وطن نیاکان خود را بدرود گفته و رهسپار دیار هند شدند» (پورداوود، بی‌تا: ۲).

چه بسا مشترکات فرهنگی میان ایرانیان و هندیان یکی از دلایل اصلی در این مهاجرت بزرگ به سرزمین مهاجرپذیر هند بوده باشد.

زرتشتیان پیش از دوران قاجار: مهم‌ترین واقعه در دوره صفویان این بود که زرتشتیان موفق شدند با پارسیان هند ارتباط مکاتباتی فراوان برقرار کرده و نیز جهت حفظ آثار و منابع مذهبی کیششان از خطر نابودی توسط سلاطین عثمانی، نسخ گوناگون را به هند ارسال کرده، این آثار را از خطر از بین رفتن حفظ نمایند. ضمن آنکه از این طریق، دنیای غرب نیز موفق به کشف گنجینه‌ی ارزشمند سنت زرتشتی شده، پژوهش بر روی آن را آغاز کرده و آن را برای نسل‌های آینده حفظ نمودند.<sup>۱</sup>

ارسال نسخه‌هایی از کتب مذهبی برای پارسیان هند، سبب آن شد که این ارتباط میان هم‌کیشان تداوم یابد: «به همت موبدان یزد و کرمان و یاری جماعت زرتشتی، نسخه‌های موجود اوستا و پهلوی بارها استنساخ شد. نسخه‌هایی که به هند فرستاده شد و به دست پارسیان هند و سپس مستشرقان اروپایی رسید» (بویس، ۱۳۷۷: ۲۴۵). دانش دینی و آگاهی‌های مندرج در نسخه‌های خطی، گنجینه‌ی شگرفی بود که خاندان‌های موبدان آنها را طی قرون متوالی نگاهداری کردند.

زرتشتیان در عهد قاجار (پیش از مشروطیت): میرزا تقی خان امیرکبیر در میان دولتمردان عهد قاجار، نخستین فردی است که به وضعیت زرتشتیان توجه نموده، تلاش کرد تا بهبودی در شرایط ایشان حاصل شود. وی حتی کوشید تا گروهی از پارسیان هند را به ایران بازگرداند. یکی دیگر از مهم‌ترین تلاش‌های امیر در جهت اصلاح وضعیت زرتشتیان، بحث رسیدگی به شکایات و دعاوی آنان بود. با توجه به اینکه در مواقع بروز مشکل، زرتشتیان نیز می‌بایست به محاکم شرعی و عرفی رجوع نموده «امیر جهت رسیدگی و حل این مشکل، مسئولیت رسیدگی به چنین اختلاف‌هایی را که یک طرف مسلمان و طرف دیگر اقلیتی از مسیحی، یهودی و زرتشتی بود، به دیوان‌خانه‌ی عدالت تهران واگذار کرد» (آدمیت، ۱۳۶۱: ۳۱۱).

۱- «آنکتیل دوپرون، اولین مترجم اوستا به فرانسوی که اشاعه‌ی ایرانشناسی در اروپا ناشی از کوشش‌های اوست.وی ترجمه‌فرانسوی کاملی از متون اوستایی، احکام آیینی، مشاهدات شخصی از آداب و رسوم پارسیان هند و ترجمه‌ای از بندهش پهلوی را انتشار داد. ترجمه‌ی اوستا اروپا را تکان داد زیرا تا پیش از این، زرتشت را دینی چندگانه‌پرست معرفی کرده بودند که در هند ریشه دارد اما دوپرون اثبات کرد که آموزه‌های زرتشت یکتاپرستی ناب است» (صبوری‌فر، ۱۳۹۵، ۱۴۲-۱۴۴).

در این برهه، پارسیان هند که در تجارت، صاحب قدرت و مکتبی گشته بودند در صدد برآمدن با تکیه بر غنای مالی به حمایت از هم‌کیشان خود در ایران پردازند. آنان با هدف رسیدگی به مشکلات زرتشتیان ایران تصمیم گرفتند افرادی را به ایران اعزام نمایند، که نخستین فرد در میان آنها «مانکجی لیمجی هاتریا» بود که به طور قطع برجسته‌ترین و مهم‌ترین شخصیت زرتشتی در تاریخ معاصر زرتشتیان است.

مانکجی لیمجی هاتریا در تاریخ ۱۲۹۹ ق برابر با ۱۸۸۲ میلادی فرمان لغو جزیه را از ناصرالدین شاه قاجار دریافت کرد. بی‌تردید این مهم‌ترین اقدام برای بهبود شرایط اجتماعی و زندگی زرتشتیان بود. همچنین «مانکجی» در سفرهای دراز خود، در عراق از محضر فقیه عالیقدر شیعه حاج شیخ مرتضی انصاری درباره‌ی معامله و رفتار جامعه‌ی مسلمانان با زرتشتیان پرسش کرد و این فقیه، هرگونه شکستن حرمت و آزار و اذیت طایفه‌ی زرتشتیان را حرام دانست» (مزداپور، ۱۳۸۲: ۷۸-۷۷).

زرتشتیان در عهد قاجار (پس از مشروطیت): پس از وقوع مشروطیت قوانینی با هدف برابر دانستن اقلیت‌های دینی و اکثریت در کشور در برابر قانون به تصویب رسید و این اتفاق، نقطه عطف مهم و ارزشمندی بود که زمینه را برای همزیستی و اتحاد بیشتر میان هموطنان مهیا می‌ساخت. زرتشتیان در این دوره ضمن مشارکت در حیات اجتماعی کشور، اقدامات فرهنگی و مشارکت‌جویانه‌ای را آغاز کردند و به فعالیت در شرایط تازه مشغول شدند؛ از آن جمله می‌توان به ایجاد انجمن‌ها و مجامع زرتشتی و نیز انتشار متون در معرفی و تشریح آیین خود برای هم‌کیشان اشاره کرد.

زرتشتیان در عصر پهلوی: در مقطع تغییر سلطنت ایران از قاجار به پهلوی و علاقه شاهان این سلسله به ملی‌گرایی و باستان‌گرایی، زرتشتیان مورد توجه قرار گرفتند. حکومت تمایل داشت تا از طریق برقراری ارتباط مناسب با زرتشتیان، توجه پارسیان هند را نیز جلب نموده و آنان را نسبت به حضور و سرمایه‌گذاری داخل کشور ترغیب نماید؛ هرچند که با عزل رضاشاه از سلطنت که همزمان با آشوب‌های بین‌المللی و نیز استقلال یافتن هند همراه بود، فرصت مناسبی برای استفاده از چنین موقعیتی برای ایران پیدا نشد و همچون سالیان قبل، ارتباط میان ایران و پارسیان هند به برخی اقدامات فرهنگی و امور خیریه و امثال آن محدود ماند.

در زمان حکومت پهلوی، با اینکه تعداد باقیمانده‌ی زرتشتیان اندک بود، ولی در

سازندگی و آبادانی ایران و باسواد کردن افراد جامعه نقش ویژه‌ای داشتند. آموزشگاه‌های زیادی را در روستاها و شهرهای محل سکونت خود برپا داشتند و سهم زیادی در پیشرفت کشور برعهده گرفتند: «نخستین بانکدار مدرن، موسس آبیاری نوین و پدر شهرسازی نوین در ایران زرتشتی بودند. در شماری از شهرها، زرتشتیان اولین کارخانه‌ی برق و تلفن را دایر کردند. سهم زرتشتیان در فرهنگ و بهداشت ایران، به نسبت جمعیت بر اکثریت فزونی داشت. در بین زرتشتیان ایران بیسواد وجود نداشت و زرتشتیان به نسبت جمعیت، بیشترین شمار پزشک، مهندس و استاد دانشگاه را به میهن خود ایران دادند.» (نیکنام، ۱۳۸۵: ۳۷).

#### ۴. تحلیل یافته‌ها: نقش زرتشتیان در ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی

پس از مرور کوتاه تاریخی و مشاهده احوال زرتشتیان در سده‌های پس از ورود اسلام به ایران (که جهت آگاهی یافتن از اوضاع زندگی زرتشتیان، و نیز موقعیت‌ها و محدودیت‌هایی که در جامعه داشتند)، در این بخش بنا داریم تا حوزه‌های مختلف فعالیت‌های زرتشتیان را که عمدتاً از عهد قاجار به بعد آغاز می‌شود، مورد تدقیق قرار دهیم تا بتوانیم به نقش زرتشتیان در تعالی فرهنگ ایران و ایرانیان پی ببریم:

#### بهبود وضعیت آموزش و پرورش و گسترش سوادآموزی

مانکجی لیمجی هاتریا، نماینده‌ی پارسیان هند در ایران، با هدف بررسی وضعیت سیاسی، اجتماعی و علمی زرتشتیان به ایران آمد و یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین اقداماتش، رسیدگی به وضعیت آموزش و پرورش زرتشتیان ایران بود. مانکجی به این نتیجه رسیده بود که عدم برخورداری از علم و دانش و نبود اندیشمند زرتشتی، سبب اعمال فشار فراوان بر آنها بوده است: «ملتی که در خیال تربیت و تکمیل افراد خود نباشد و اقدام در ساختن مدارس و مکتب‌ها ننماید، البته عالم میان آنها پیدا نخواهد شد» (امینی، ۱۳۸۰: ۲۶).

سه سال پس از ورود مانکجی به ایران مدارس پسرانه در یزد و کرمان تاسیس شد و در سال ۱۲۸۲ قمری، مدرسه شبانه‌روزی تهران هم تاسیس گشت. «مانکجی برای تعلیم و تربیت جمعیت زرتشتی که بیشترشان بیسواد بودند، در سال ۱۲۸۲ قمری چند نفر از کودکان یزد و کرمان را همراه خود به تهران برد و در آنجا دبستان شبانه‌روزی زرتشتیان را بنیاد نهاد و آموزگاران را برای تعلیم و تربیت آنها گماشت» (ناییان، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

برخی از شاگردان این مدارس بعدها اثرات زیادی را در بهبود وضعیت زرتشتیان در جامعه داشتند و به گسترش خردورزی و فرهنگ در میان مردم پرداختند. فرستادگان بعدی پارسیان به ایران نیز در امور فرهنگی و آموزشی تلاش کردند؛ از جمله آنکه جهت راه‌اندازی مدارس زرتشتی، بویژه برای دختران، بانی کمک‌های فراوان بودند. همچنین به کمک آنان، در اکثر روستاهای زرتشتی‌نشین مدارس تاسیس شد. «علاوه بر اینکه زرتشتیان در تاسیس مدارس برای فرزندانشان کوشا بودند، در برپایی مدارس برای مسلمانان نیز کمک می‌کردند» (همان: ۱۲۵).

ارباب کیخسرو شاهرخ نیز از جمله زرتشتیانی بود که در مسیر رشد و تعالی همکیشان خود و نیز هموطنان تلاش کرد. زرتشتیان نیز، که به لزوم آموزش در رشد فکری و فرهنگی فرزندان میهن پی برده بودند و نیز آن را یگانه راه ارتقاء وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور می‌دانستند، از راه‌های گوناگون به تامین هزینه‌های مدارس مبادرت می‌نمودند.

### حفظ و حراست از میراث ادبی، تاریخی و زبانی کشور

یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های فرهنگی زرتشتیان حراست از متون و مکتوبات آن دوران است. این اقدام از سوی آنان، تا رسیدن به سده‌های چهار و پنج هجری انجام می‌گیرد و پس از آن، به دلیل سرکوب شدید زرتشتیان توسط حکومت‌های وقت، و جهد آنان برای از بین بردن آثار و منابع زرتشتیان ایران، این پیوند فرهنگی دچار وقفه‌ای طولانی می‌شود و در نهایت، با رسیدن به دوران حکومت قاجاریه، این فعالیت‌ها تا حدودی از سر گرفته می‌شود و سپس، در دوران مشروطیت، زمانی مناسب برای اقدامات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی فرا می‌رسد. تلاش زرتشتیان برای حفظ و نگهداشت واژگان زبان پارسی، گام مهمی برای جلوگیری از نابودی این عنصر هویت بخش ایرانی، بویژه در نخستین سده‌های پس از ورود اسلام به ایران محسوب می‌شود.

### تاسیس موسسات و انجمن‌های زرتشتی، بیمارستان و درمانگاه

پایه‌ی اصلی انجمن‌های زرتشتیان امروزی در هندوستان بنا شد: «از حدود سال ۱۶۹۸ میلادی اولین انجمن به نام پارسی پنچایت در بمبئی تشکیل شد» (Desai, 1948:9). یکی از انجمن‌های تشکیل شده در هندوستان، انجمن اکابر پارسیان بود که «مانکجی

صاحب» را [این انجمن] به ایران فرستاد تا به امورات زرتشتیان در ایران رسیدگی کند؛ پس از او، «کیخسرو جی خان صاحب» در سال ۱۳۰۸ قمری به ایران فرستاده شد و وی مهم‌تری هدف خود را سروسامان دادن به انجمن‌های زرتشتیان در ایران دانست. در سالهای بعد، افراد دیگری همچون کیخسرو شاهرخ نیز در این امر همت گماشتند و راه اندازی انجمن‌ها همچنان ادامه یافت.

از دیگر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی قابل ذکر زرتشتیان در این ایام می‌توان چنین گفت:

«پزشکان و پرستاران زرتشتی در خدمات پزشکی پیشگام بوده‌اند و در یزد و کرمان و تهران در دوران معاصر برخی از آنان سرشناس بوده‌اند و هستند.. [از آن جمله] خدمات بی‌سر و صدا و متواضعانه و کاملاً ناشناخته‌ی شادروان دکتر خدامراد مرادپور در طرح برانداختن مالاریا در ایران. همچنین فرنگیس شاهرخ (یگانگی) فرزند محبوب ارباب کیخسرو، سهمی بزرگ در اعتلای صنایع دستی و احیای آن در ایران دارد و با کاردانی و دلسوزی، روش‌های ساختن و فروش را در این حوزه بهبود بخشید» (مزداپور، ۱۳۸۲: ۸۲).

### کوشش و مبارزه در مسیر مشروطیت

در زمان مبارزه با دستگاه استبدادی قاجار، چند نفر از تجار زرتشتی در اقتصاد ایران مقام و موقعیت ممتازی داشتند. اصلی‌ترین آنها، تجارتخانه‌ی جمشیدیان متعلق به ارباب جمشید جمشیدیان تاجر خوشنام و جوانمرد ایرانی بود که مرتباً به آزادی‌خواهان کمک‌های مالی می‌کرد و آنگونه که در منابع تاریخی ذکر شده، عادت به رد کردن تقاضای مالی نیازمندان نداشت.

یکی دیگر از کسانی که در مبارزات مشروطیت ایران وارد شد، ارباب کیخسرو شاهرخ است. وی جزء مدیران تجارتخانه‌ی جمشیدیان بود و در سالهای بعد، در یازده دوره‌ی مجلس شورای ملی، نماینده زرتشتیان در مجلس بود. یکی دیگر از تجار زرتشتی که در انقلاب مشروطیت از بذل مال و کمک به آزادی‌خواهان دریغ نداشت، ارباب خسرو شاهجهان و یا جهانیان بود. ارباب خسرو شاهجهان یکی از موسسین انجمن زرتشتیان تهران و تجارتخانه‌ی جهانیان بود که در ایام مشروطیت، بویژه در تامین اسلحه و مهمات آزادی‌خواهان به آنان کمک زیادی نموده بود.



با توجه به اندک بودن جمعیت زرتشتیان در کشور که ممکن بود مانعی بزرگ بر سر راه آنان در راهیابی به مجلس باشد، لکن تلاش و از خودگذشتگی این فداکاران زرتشتی فضای آن روز جامعه را اقناع ساخت که زرتشتیان نیز می‌توانند در مجلس شورای ملی نماینده‌ای داشته باشند. ارباب جمشید جمشیدیان نماینده‌ی زرتشتیان در نخستین دوره و ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده‌ی زرتشتیان از دوره‌ی دوم به بعد بود.<sup>۱</sup>

مذهب، انگیزه اصلی زرتشتیان جهت نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی اساس مذهب زرتشت بر آزادی و اختیار است. پیروان این مذهب هم تاب پذیرش استبداد و فشار حاکمان را نداشته، تصمیم به مقابله با زور حکومتی گرفتند. بنابراین فرهنگ مزدیسنی و معتقدات مذهبی زرتشتیان در تحریک آنان به نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی قابل‌تامل است.

انگیزه دیگر آنان، عشق و تعصب زرتشتیان به عظمت و بزرگی ایران است. این علاقه، عامل مهمی بود که سبب شد تا زرتشتیان نسبت به تحولات دوران مشروطیت و نیز کمک به آزادی‌خواهان ایران، احساس مسئولیت کرده و در حد بضاعت، از آن حمایت نمایند.

و محرک سوم، «همان شرایط سخت و طاقت‌فرسایی بود که برای زرتشتیان ایران در دوره‌ی قاجار وجود داشت» (مهر، ۱۳۴۸: ۲۸-۷).

مشارکت زرتشتیان در پیشبرد مشروطیت که به نگرش آنها نسبت به این نهضت (مردمی بودن آن) مربوط بود، شاید که در نهایت تغییر چندان محسوسی را در دیدگاه عمومی نسبت به آنان ایجاد نکرد، اما این زحمات از دید روسای مشروطه‌خواه و اصحاب جراید و صاحبان افکار عمومی پنهان نماند و اولین ثمره‌ی این زحمات که به دنبال تلاش‌های ارباب جمشیدیان و ارباب کیخسرو شاهرخ و گشاده‌دستی‌هایشان اتفاق افتاد،

۱- در یکی از جلسات انجمن زرتشتیان تهران، بعضی از اعضا پیشنهاد می‌کنند که زرتشتیان دیگر اقدامی نکرده و با توجه به قلت افراد، کاری نکنند که دسته‌جمعی مورد انتقام‌جویی مستبدین واقع شوند. به نقل از صورتجلسات انجمن زرتشتیان در آن موقع، یکی از اعضا می‌گوید: «اگر مستبدین از هشت میلیون مسلمان هشت هزار نفر را بکشند، هفت میلیون و نهصد و نود و دو هزار نفر باقی خواهند ماند، ولی اگر هشت هزار نفر زرتشتی را بکشند دیگر اثری از زرتشتی‌گری باقی نمی‌ماند.» ولی جواب می‌شود: «اگر به دستورات مذهبی خود و به پیروزی نهایی راستی بر دروغ ایمان داشته باشیم، نباید هراسی به خود راه دهیم و نباید از همراهی و همگامی با برادران مسلمان خود باز ایستیم.» و بدین ترتیب زرتشتیان مبارزات خود را ادامه دادند.

این بود که «زرتشتیان توانستند برخلاف دیگر اقلیت‌ها که وکالت خود را به اجبار به سیدین سندین یعنی بهبهانی و طباطبایی واگذار کرده بودند، خود وکالتشان را به دست بگیرند و بتوانند برای نخستین بار پس از اسلام در مجالس تصمیم‌گیری ایران راه پیدا کنند» (تشکری، ۱۳۸۴: ۲۷).

### فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی با محوریت آموزه‌های ملی ایران

حضور زرتشتیان در مراسم‌هایی چون بزرگداشت فردوسی و ایجاد فرهنگستان، توجه به آثار هخامنشی و ساسانی در حوزه‌های زبانی و تاریخی، توجه به باستان‌شناسی، ایجاد موزه‌های تاریخی و ملی در جهت حفظ آثار تاریخی، احیای جشن‌های باستانی نظیر مهرگان و سده و ... طراحی سبک‌های معماری باستانی ایران برای بناهای بزرگ و دعوت از دانشمندان زرتشتی هند به ایران نظیر دینشاه ایرانی و معرفی تاریخ ایران باستان از سوی بخش عظیمی از افراد جامعه علمی و ادبی ایران به جامعه، شرایطی را فراهم کرد که موجب فعالیت هرچه بیشتر زرتشتیان ایران در تبیین مبانی هویت ملی نوین ایرانیان بر مبنای فرهنگ ایران باستان شد. «با این حال و به رغم سیاستهای باستان‌گرایانه‌ی پهلوی اول، همچنان جامعه‌ی زرتشتیان ایران از نظر سیاسی به طور کامل جذب جامعه‌ی ایرانی نشدند، زیرا آنها نیز همچون دیگر اقلیت‌های دینی تنها در مجلس شورا نماینده‌ی خاص خودشان را داشتند و با وجود تلاش فزاینده جهت کسب مقام وزارت، بدان نائل نشدند» (علیزاده و طرفداری، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۵).

### تاسیس جراید و مطبوعات

«یکی دیگر از اقدامات فرهنگی و فکری زرتشتیان در تاریخ، که نشان از توجه آنان به ارتقای وضعیت علمی جامعه دارد، مبادرت آنان به تاسیس جراید و مطبوعات و احداث کتابخانه بوده است. آنان جهت بالابردن جایگاه فرهنگی زرتشتیان و افزودن بر حجم فعالیت‌های ترقی خواهانه‌ی این اقلیت، به انتشار مقالاتی در باب وضعیت سیاسی، اجتماعی، حقوقی و مذهبی هم‌کیشان خود پرداختند. عمده‌ی مجلات زرتشتی منتشر در دوره‌ی رضاشاه عبارتند از مه‌نامه‌ی هما، روزنامه‌ی فره‌وهر، پیک مزدیسنان، نامه مزدیسنان، نامه فره‌وهر، مه‌نامه پشتون، ندای مزدیسنان، پندار، پندار ما، پیک کنکاش موبدان یزد، آریاویچ، نامه‌ی وهومن» (مهاجرانی، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

در سراسر این دوران، زرتشتیان با تکیه بر آموزه‌های فرهنگی خود موفق شدند تا جایگاه خود را به عنوان بااهمیت‌ترین اقلیت مذهبی ایران در تعالی فرهنگ بومی تثبیت کرده و در شرایط احترام متقابل و ارتباط مبتنی بر برابری با دیگر هم‌میهنان مسلمان قرار گیرند.

### ۵. نتیجه‌گیری

فرهنگ همواره با مفاهیم ارزشمندی مانند تعالی و ترقی همراه است و از آن روست که صفات نیک یک ملت از فرهنگ آن سرچشمه می‌گیرد. فرهنگ عمومی یک ملت آینه تمام‌نمایی است که شخصیت یک ملت در آن منعکس می‌شود و نتایج آن در سازندگی بیرونی و درونی تجلی می‌یابد. این سازندگی چنانچه درصدد برآوردن نیازهای مادی و جسمانی جامعه باشد، این گونه استنباط می‌شود که فرهنگ آن قوم سازنده، به عنوان حافظه آن جامعه، فرهنگی تعالی‌جو و توانمند است و سبب ساز ارتقا و رشد فرهنگی یک ملت در درازنای تاریخ خواهد بود.

در همین راستا، تطابق عملکرد زرتشتیان با مبانی فرهنگی و اخلاقی دیشان، تلاش در جهت حفظ و نگهداشت پایه‌های هویتی سرزمین و نیز کوشش برای رشد و بالندگی جامعه و هم‌میهنان، علیرغم محدودیت‌ها و تنگناهایی که با آن مواجه بودند، ما را به این دریافت رهنمون می‌سازد که چارچوب اعتقادی زرتشتیان، چه از جنبه جهان‌بینی و نگرش، و چه به لحاظ عملکرد اجتماعی، رو به سوی ارتقا و تعالی فرهنگ ایرانی داشته است.

تلاش برای حفظ زبان فارسی، حفظ و تدوین متون و مکتوبات ارزشمند گذشته از خطر زوال و نابودی و گردآوری گنجینه‌های ارزشمند فرهنگی از نسخ خطی و بازنویسی متون اوستایی و پهلوی، تلاش برای ارتقاء وضعیت آموزشی و بهداشتی هم‌میهنان و همچنین ایفای نقش پررنگ فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در دوران حکومت قاجار و پهلوی و جان فشانی آنان در راه وطن و مبارزه در کنار دیگر آزادی‌خواهان، تنها می‌تواند یک دلیل و انگیزه داشته باشد و آن هم اتصال پیوسته‌ی زرتشتیان به مفاهیم و آموزه‌های فرهنگی دین زرتشت بوده که نشان‌دهنده‌ی دریافت‌های علمی، عملی و عقلی آنان از رهنمودهای اعتقادی‌شان می‌باشد.

تاکید بر اهمیت آزادی، اراده و اختیار انسان از طریق آگاهی نسبت به خیر و شر و نیک و بد و آموزش آن، تاکید بر اصل بااهمیتی همچون حرکت در مسیر «قانون الهی»

اشاء»، تاکید دین زرتشت بر کار و فعالیت به عنوان عامل اصلی پیشرفت جامعه، سفارش به حرکت انسان در مسیر خیر و راستی و مبارزه با پلیدی و شر، تاکید قاطع فرهنگ زرتشتی بر اخلاق و اخلاق‌مداری و اعتقاد راسخ زرتشتیان به برابری انسان‌ها با یکدیگر اعم از زن و مرد، مترقی‌ترین و متعالی‌ترین آموزه‌هایی است که در جهان باستان جهت هدایت انسان ارائه شد. این آموزه‌ها از سرچشمه‌ی الهی و ذات دانا و توانای پروردگار یکتا جاری می‌گشت و این خود، اصلی‌ترین عامل تعالی آموزه‌های فرهنگی دین زرتشت است که عامل هویت بخشی به رفتارها و تعاملات فردی و اجتماعی آنان است؛ چرا که رفتارهای انسانی از یکسو به ارزش‌ها و باورهای اتکا دارد که از نوع نگرش به هستی بر می‌خیزد و از سوی دیگر، به استدلال‌های فکری و اندیشه‌هایی مستند است که از شرایط و تجربیات زیست انسان برخاسته است. بنابراین، جستجوی نشانه‌های تاثیر فرهنگ بر زندگی انسان، بدون اعتنا به جهات ارزشی و اعتقادی، جستجوی ناقص خواهد بود.

### منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۱). امیر کبیر و ایران، تهران: نشر خوارزمی.
- امینی، تورج (۱۳۸۰). اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۳۳۸-۱۲۵۸ ش)، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- بویس، مری (۱۳۷۷). چکیده تاریخ کیش زرتشتیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه.
- بویس، مری (۱۳۸۶). زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسگر بهرامی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ نهم.
- پورداوود، ابراهیم (بی‌تا). ایران‌شاه، تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هندوستان، بی‌جا، بی‌نا.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۹۳). اوستا، تهران: انتشارات دنیای کتاب، چاپ دهم.
- تشکری، علی‌اکبر (۱۳۸۴). «درآمدی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوران قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه.ق)»، فصلنامه فرهنگ (ویژه تاریخ)، شماره ۵۶، ۱۷-۳۸.
- خورشیدیان، اردشیر (۱۳۸۷). جهان‌بینی اشوزرتشت (پیام‌آور ایرانی)، تهران: انتشارات فروهر، چاپ دوم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم.
- صبوری‌فر، فرهاد (۱۳۹۵). تاریخ روابط پارسیان هند و زرتشتیان ایران، تهران: انتشارات فروهر.
- علیزاده، محمد علی و طرفداری، علی‌محمد (۱۳۸۸). «نقش فرهنگی زرتشتیان در تقویت ملی‌گرایی و شکل‌گیری هویت ملی باستان‌گرا در عصر پهلوی»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ، سال ۴، شماره ۱۵، ۱۲۱-۱۳۸.
- کسروی، احمد (۱۳۷۰). تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کوه‌کن، محمودرضا (۱۳۹۶). ایرانشهر: روند تبیین اندیشه سیاسی ایرانشهری (ایران باستان)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گیگر، ویلهلم و هینس، والتر و ریندیشمن، فریدریک (۱۳۸۲). زرتشت، درگات ها (عرفان، حکمت عملی، فلسفه و جهان‌شناسی)، ترجمه هاشم رضی، تهران: نشر سخن.

- گودیکانست، ویلیام‌بی (۱۹۹۱). پیوند تفاوت‌ها؛ راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی، ترجمه علی کریمی‌مله و مسعود هاشمی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ماحوزی، رضا (۱۳۹۰). «بنیاد فلسفی فرهنگ»، فصلنامه تخصصی فلسفه و کلام، دوره ۲، شماره ۵، ۱-۱۹.
- محمودی‌زاده دهبارزی، محمودرضا (۱۳۹۶). آیین شهریار در گاهان زرتشت، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- مزداپور، کتایون (۱۳۸۲). زرتشتیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مهاجرانی، شباهنگ (۱۳۹۷). «بررسی میزان مشارکت زرتشتیان در توسعه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، دکترای تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی.
- مهر، فرهنگ (۱۳۴۸). «سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطیت ایران»، مجله هویخت، شماره ۳، ۱-۳۵.
- میلنر، آندرو و براویت، جف (۲۰۰۲). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران: انتشارات ققنوس.
- مولایی، چنگیز (۱۳۹۳). «(زردشت و دین او)»، تاریخ جامع ایران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۴، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی).
- نایبیان، جلیل (۱۳۹۱). «مدارس زرتشتیان در دوره قاجار»، فصلنامه جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۳، شماره ۱، ۱۰۹-۱۳۳.
- نمیرانیان، کتایون (۱۳۸۶). زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز، تهران: مرکز کرمان‌شناسی.
- نیکنام، کوروش (۱۳۸۵). آیین اختیار (گفتاری پیرامون فرهنگ و فلسفه زرتشت)، تهران: انتشارات تیس.
- ویر، ماکس (۱۹۰۵). اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: انتشارات سمت.

Parekh, Bhikhu.(2005) Dialogue Between Cultures, Democracy, Nationalism and Multiculturalism, Roman Maiz and Ferran Requjo, UK: Frank Cass Publications.

Desai, Sapur Faredom.(1948) Parsis and Eugencis Bamby, Mody Printing Press.

Gershevitch, I(1964) «Zoroaster,s Own Contribution», JNES, 23,1,. 12-38.